



- حجت‌الاسلام محمد مهدی تسخیری: از ولایت غافل نشوید تا دنیا و آخرت خویش را ضامن شوید
- حجت‌الاسلام محمد مهدی ایمانی‌پور: سه فضیلت و دو مکرمت
- حجت‌الاسلام دکتر رضا غلامی: عالم روشن اندیش و متواضع
- حجت‌الاسلام سید ابوالحسن نواب: واعظ وارسته و مرد می
- دکتر سید محسن میرباقری: عالم واعظ درس آموز
- حجت‌الاسلام دکتر داوود مهدوی زادگان: با مدعی مگوید اسرار عشق و مستی
- حجت‌الاسلام علی ذوعلم: نقش سنت و عطف در فرهنگ سازی
- دکتر مباح زنگنه: دانشوری نخبه و نادر از تبار کتاب شناسان
- مجید جعفری‌پور: آبروی منبر دینی

جزئیات دادگاه عامل شهادت ۲ طلبه در حرم مطهر رضوی

متهم: اقدام تروریستی و اشتباه بود

جلسه رسیدگی به اتهامات مرد جنایتکاری که با حمله به ۳ طلبه در حرم مطهر رضوی باعث شهادت ۲ نفر از آنها شده بود، صبح دیرروز در دادگاه انقلاب اسلامی مشهد مقدس برگزار و حکم وی بزودی صادر خواهد شد. متهم در این دادگاه اقرار کرد در یکی از کشورهای همسایه تحت تأثیر تعلیمات تکفیری قرار داشته است.

صفحه ۲۲ را بخوانید



گفت‌وگویی «ایران» با یک جامعه‌شناس درباره اصالت بخشی و حفظ هویت در تهران
در آستانه توسعه حومه نشینی شهرهای بزرگ هستیم
۱۸

استفاده از دامپزشک خارجی برای درمان آخرین توله یوز ایران

پروژه تکثیر یوز ایرانی همچنان در دستور کار

توله یوز باقیمانده از پروژه تکثیر یوز آسیایی در میهمانسرای سازمان حفاظت محیط‌زیست نگهداری می‌شود نه در بیمارستان دامپزشکی در تهران. این خبر را «وحید نوروزی» کارشناس کارگشته محیط‌زیست پس از جلسه فراکسیون محیط‌زیست مجلس می‌دهد و به اعتراض جامعه رسانه‌ای کشور منجر می‌شود. واکنش روابط عمومی سازمان حفاظت محیط‌زیست هم مثل همیشه عدم شفافیت است.

۱۷

وزارت بهداشت اعلام کرد

هنوز مورد مشکوک آبله میمون در ایران نداشته‌ایم

سرپرست مرکز روابط عمومی وزارت بهداشت گفت: در خصوص آبله میمون، خوشبختانه تاکنون مورد مشکوک و خاصی نداشته‌ایم و شبکه بهداشتی کشور هر مورد مشکوکی را بررسی می‌کند. پدram پاک آیین گفت: آبله میمون، یک بیماری ویروسی و از دسته ویروس آبله انسانی است. در حال حاضر ۱۵ کشور دنیا موارد مشکوک این بیماری را گزارش کرده‌اند. در این ۱۵ کشور، ۱۹۷ مورد مشکوک گزارش شده و ۱۰۸ مورد تشخیص قطعی در دنیا داده شده است.

۲۲

ضرغامی خبرداد

طرح مجلس برای فروش آثار تاریخی متوقف شد

وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی از توقف طرح مجلس در زمینه خرید و فروش اشیای تاریخی و باستانی خبر داد. «سیدعزت‌الله ضرغامی»، در نخستین نشست خبری خود با اصحاب رسانه در سالن اجتماعات موزه ملی ایران همچنین از تشکیل انجمن خبرین میراث فرهنگی سخن گفت و ادامه داد: حفاظت و مرمت آثار میراث فرهنگی هزینه‌هایی هم دارد و این هزینه‌ها را ما حتماً می‌دهیم. به لحاظ قانونی مشکلاتی بود که مردم نمی‌توانستند...

۱۷



فوتی‌های کرونا در آستانه صفر شدن

در ادامه روند نزولی شیوع کرونا، آمار مرگ و میر روزانه بیماری کووید-۱۹ با کاهش قابل توجه به ۳ مورد رسید

۲۲

خداقافی پرسنل بیمارستان‌ها با بخش کرونا

ضرورت تدوین قانون برای نگهداری از حیوانات خانگی

هرج و مرج نگهداری از حیوانات خانگی

۲۲ و ۱۹

مدیر شبکه بهداشت جاسک خبرداد

حمله سگ‌های ولگرد به دختر ۶ ساله

شهروندانی که به خاطر سگ همسایه جان به لب می‌شوند

۲۲ و ۱۹

زبان بیگانه غالب در کافه‌ها و زبان‌شناسی کافه‌روهای تهران

لطفاً یک اسپرسوی دارک و یک پلیت اضافه

ترانه بنی‌عقوب
گزارش‌نویس

هر وقت مجبور می‌شود، کسی را در کافه‌ای ببیند از قبل ساعت استرس دارد، می‌داند چرا؟ چون به قول خودش زبان کافه‌ها را بلد نیست: «می‌دانی دفعه آخری که رفتم کافه، نه می‌فهمیدم توی منو چی نوشته‌اند، نه از حرف زدن پیشخدمت‌ها سر درمی‌آوردم، نه می‌دانستم چه چیزی باید سفارش بدهم. مثلاً وقتی یک پسر جوان آمد گفت اردر دیگری ندارید؟ نفهمیدم یعنی چی. بعد گفت چایی تون رو ریچارج کنم که باز هم نفهمیدم منظورش چیست. بعد که باز گفتم لست اُردرتون چیه؟ گیج‌تر شدم. حالا اولی یعنی سفارش دیگری تون چیه، دومی یعنی چایی تون رو شارژ کنم، سومی یعنی آخرین سفارشتون رو بگید. نمی‌فهمم این چه طرز صحبت کردن است، وقتی می‌شود همه این کلمات را فارسی گفت واقعاً چه لزومی دارد آدم این طوری حرف بزند؟ من کارم جور است که باید قرارهایم را توی کافه بگذارم و هر بار با شنیدن این حرف‌ها گیج می‌شوم. بعضی اوقات توی گوگل سرچ می‌کنم، ببینم توی فهرست غذا چی نوشته یا چه می‌گویند. گاهی فکر می‌کنم من بی‌سوادم که این چیزها را نمی‌فهمم.»

همین دغدغه چندی پیش در شبکه‌های اجتماعی هم مطرح شد تا جایی که کاربران نوشتند برای اینکه این روزها بتوان از خدمات کافه‌های تهران استفاده کرد حداقل باید آیلینس ۷ داشت بس که کلمات انگلیسی برای همه چیز استفاده می‌شود. صورت غذاها را هم نگو که پر است از چیزهایی که نیاز به یک کیلومتر ترجمه دارد یا چیزهای قلمبه سلمبه‌ای که معنای ساده‌ای دارند.

دختر و دوستانش را در یکی از کافه‌های مرکز شهر تهران می‌بینم. از همان خانه‌های قدیمی حیاط‌دار که حوض دارد و کلی باصفاست. نسیم خنک اردیبهشت ماه هم همه چیز را قشنگ‌تر جلوه می‌دهد. می‌گویند: «اولین بار که خانم کافه‌دار گفت «کب»

بگذارد روی قهوه‌ات، راستش را بخواهی نفهمید منظورش چیست. منظورش همان درپوش قهوه بود. خنده‌ام گرفت و گفتم درپوش؟ آره بگذار. راستش هر دو با هم خندیدیم. نمی‌دانم چه اصراری هست در کافه‌ها از این کلمات استفاده کنند. شاید می‌خواهند همه چیز را شیک‌تر از آن چیزی که هست نشان دهند.»

دختر دیگری که با لپ‌تاپ کار می‌کند ناگهان سرش را بلند می‌کند و وارد بحث می‌شود: «نایب ماجرا را یک‌سویه و تنها از طرف گردانندگان کافه‌ها دید. خیلی از مشتری‌ها هم دوست دارند این کلمات را بشنوند، چون احساس می‌کنند جای خاص‌تری آمده‌اند. من خودم کافه‌ای می‌رفتم که سعی کرد منویش را فارسی کند مثلاً جای لاته نوشته بود، شیرقهوه... راستش چندین بار اگر قرار است انگلیسی فرهنگ خودشان را دارند. فرهنگ غذایی، فرهنگ آداب معاشرت و فرهنگ حرف زدن و... کسی که دوست ندارد از این فرهنگ استفاده کند، می‌تواند جای دیگری برود.»

حرف‌های دختر جوری است که نظر بقیه کافه‌نشین‌ها را هم جلب می‌کند و خیلی‌هایشان در بحث مشارکت می‌کنند. یکی می‌گوید: «این طورها هم که می‌گویند نیست چند روز پیش یک کافه در شمال شهر بودم گفت می‌توانم پلیت‌ها و فورکاها را جمع کنم؟ منظورش بشقاب حرف بزنیم بگویند درست انگلیسی حرف بزنیم اینجور حرف زدن دیگر معنایی ندارد.» مثال او انگار بقیه را هم سحر ذوق آورده باشد هرکس از تجربه خودش تعریف می‌کند.

یکی می‌گوید: «پرای زرزو میز هم همین‌جور است. مثلاً می‌گویند شما توی ویتینگ لیست ما هستی، یعنی توی لیست انتظار ما هستی یا می‌گویند ویت تا بیایم، یعنی صبر کنید تا سفارشتان را بگیریم یا قهوه تیک‌وی است، یعنی قهوه‌تان بیرون بر است.»

کنار دستی‌اش ادامه می‌دهد: «یک‌بار رفته بودم کافه، به پیشخدمت یا به قول

خودشان به ویتتر گفتم یک سبب زمینی سرخ کرده می‌خواهم. ابرو بالا انداخت و گفت منظورتان فرایز است؟ فکر کنم همین زبان و اصطلاحات روی قیمت هرست غذا یا به قول خودشان منو تأثیر می‌گذارد یعنی هر چه قلمبه سلمبه‌تر گران‌تر. توی این فهرست‌ها چیزهایی هست که اصلاً سر در نمی‌آورم. مثلاً ابل پای» با سس نمی‌دانم یعنی چی؟ راستش سبب (یا سس) خودمان چه اشکالی دارد؟ قهوه که اطوار بیشتری هم دارد؛ مثلاً نوشته‌اند کافه اوله، یعنی قهوه با شیر البته به زبان فرانسه یا می‌نویسند کافه کن لجه که به ایتالیایی می‌شود قهوه با شیر اما ساده همه‌شان می‌شود همان شیرقهوه خودمان. البته که وقتی قهوه را با این اسامی سفارش می‌دهی باید قیمت بالاتری هم بپردازی.»

یکی از میزبانش سر می‌گوید: «کار تا جایی بالا گرفته که برای استخدام افراد داخل کافه هم آگهی انگلیسی می‌زنند مثلاً دیش واشر (ظرف‌شور) و ویتتر و ویترس (خدمتکار زن مرد) نیازمندیم. انگار با این اسامی شغل‌هایی را که چندان شیک نیستند، قشنگ‌تر جلوه می‌دهند.»

حرف و حدیث که بالا می‌گیرد کلاً بحث‌ها سمت و سوی دیگری پیدا می‌کند آن هم بحث بر سر ادا و اطوار کافه‌ها و اینکه چطور با همین ادا و اطوار برای خودشان مشتری جذب می‌کنند. یکی از مشتری‌ها می‌گوید: «چند روز پیش رفتم کافه‌ای که همه منویش را ایرانیز کرده بود، یعنی از آن‌روز افتاده بود. فکر می‌کنید به جای خیار سکنجبین چی گذاشته بودند؟ ملک‌التجار. نام فهرست نوشیدنی‌هایشان هم شربتخانه بود. یعنی اسم‌های قدیمی ایرانی را روی هر کدام از نوشیدنی‌ها گذاشته بودند. این هم یک نوع اداب‌زای دیگر است. شربت خیار سکنجبین، عرق نسترن و بابونه را می‌توان با اسم خودش گفت و نیاز به این همه ادا ندارد.»

صاحبان یا گردانندگان کافه‌ها در این باره چه نظری دارند؟ وقتی از خانم سالن‌گردان یا مسئول سالن اصلی کافه که باید روی سفارش‌ها و زمان تحویل و

مرتب بودن کارها نظارت کند، می‌پرسم چرا چنین فرهنگی بر کافه‌ها غالب شده، مکتبی طولانی می‌کند و می‌گوید: «شاید برای ما که در یک کافه کار می‌کنیم فهمیدن این نکات آسان نباشد، چون به فضا و ادبیات اینجا عادت کرده‌ایم و برای کافه‌روها و آنهایی که کافه‌ها را می‌شناسند همه این واژه‌ها عادی شده باشد. برای کسانی که کافه‌رو نیستند، سخت است. به نظر من این مسأله عجیبی نیست و آدم‌ها در همه حرفه‌ها، اصطلاحات تخصصی خودشان را دارند و در حرفه ما هم خیلی از این کلماتی که برای شما مبهم است برای ما عجیب نیست. مثلاً به هر حال بین کافه‌ها شمال است مثلاً خیلی عادی است بگویی اسپرسو و همه می‌فهمند منظور چیست. اسپرسو هم نوعی قهوه است که عصاره‌گیری شده. امریکانو هم نوعی دیگر از قهوه است و شاید واژه غربی باشد اما واقعاً جایگزینی ندارد. من چند کافه می‌شناسم که سعی کردند از واژه‌های جایگزین استفاده کنند مثلاً به جای لاته می‌گویند شیرقهوه اما به نظرم شیرقهوه یک جور است و آدمی که کافه‌رو است لاته را بهتر می‌شناسد. فکر نمی‌کنم خیلی بار ارزشی منفی یا مثبتی داشته باشد.»

مسئول کافه درباره این موضوع کلی حرف دارد: «چه قبول داشته باشیم یا نداشته باشیم، شبکه‌های اجتماعی مخصوصاً اینستاگرام پیوند عجیبی با زندگی مردم پیدا کرده‌اند. گاهی هنوز سفارش مشتری را نیاورده‌ایم عکسش در اینستاگرام است و می‌بینیم دارد تبلیغش را می‌کند. بنابراین هرچقدر جذابیت بیشتری به این سفارش بدیم و به قول ما ادب‌آزایش را بیشتر کنیم در شبکه‌های اجتماعی بیشتر طرفدار می‌پیدا می‌کند. این فرهنگ زرد است اما یک مسئول کافه به همه اینها اهمیت می‌دهد و می‌گوید هرچقدر جذابیت‌ها را بیشتر کنیم، مشتری‌مان هم بیشتر می‌شود. برای همین سالن‌کارها را ویتتر و ویترس صدا می‌کنند، لباس‌های خاص برایشان طراحی می‌کنند و تا می‌توانند از آنها می‌خواهند با ادبیات



ایران

نهایت آن را پیشخدمتی می‌دانند. عده کمی که این کار را می‌کنند دوست دارند به کار خودشان هویت بدهند و خیلی اوقات هم ضرورتی نمی‌بینند که به جای فارسی کلمات انگلیسی بگویند. کافه یک مسأله وارداتی است و هویت ایرانی ندارد.» او همین‌طور که چشمش روی میزها می‌چرخد تا ببیند کم و کسری در سالن کافه نباشد، ادامه می‌دهد: «در ضمن نباید فراموش کنی این کار یک تجارت است و ما می‌خواهیم از آن پول در بیاوریم. خیلی از آدم‌هایی که کافه می‌آیند به کار بدن این واژه‌ها برایشان جذاب است. شما فقط آن طرف ماجرا را نبین یعنی خود مشتری‌ها هم علاقه‌مندند به این زبان حرف بزنند یا یک منوی جذاب بخوانند. مثلاً می‌گویند اسپرسو من مید باشد یا اسپرسو من دارک باشد، یعنی اسپرسو ملایم یا غلیظ. شاید خنده‌دار به نظر برسد و خیلی اوقات هم مشتری از کلمه اشتباه استفاده کند و ما به عنوان کافه‌دار خنده‌مان بگیرد، اما مشتری استفاده از آن را دوست دارد.»

دفعه بعد که کافه رفتید اول پایه‌های زبان انگلیسی‌تان را قوی کنید یا یک دیکشنری همراه‌تان باشد چون ممکن است معنای جمله‌ای را نفهمید یا مجبور شوید از گوگل برای ترجمه استفاده کنید، خوب یا بد به هر حال این جور حرف زدن در کافه‌ها انگار باکلاس است!

دفعه بعد که کافه رفتید اول پایه‌های زبان انگلیسی‌تان را قوی کنید یا یک دیکشنری همراه‌تان باشد چون ممکن است معنای جمله‌ای را نفهمید یا مجبور شوید از گوگل برای ترجمه استفاده کنید، خوب یا بد به هر حال این جور حرف زدن در کافه‌ها انگار با کلاس است

خاص حرف بزنند.» مسئول کافه‌ای دیگر در مرکز شهر تهران هم این‌گونه می‌گوید: «ما در دوران مدرن زندگی می‌کنیم و همه چیز در این دوران با سرعت زیادی تغییر می‌کند. اگر وارد دنیای آی‌تی و کافه آی‌تی‌ها و جمع‌هایشان شوی با کلماتی روبه‌رو می‌شوی که چیزی از آنها نمی‌فهمی. آنها هم می‌توانند از کلمات فارسی استفاده کنند، مثلاً به جای فولدر بگویند پوشه. وقتی کلمه مادر از یک زبان دیگر می‌آید برای توضیحش نیاز به ترجمه طولانی داری مثل اسپرسو. اما تبدیل به عادت شده و آدم‌ها اغلب تقلند و کاری را انجام می‌دهند که به آن عادت کرده‌اند. در حوزه مهندسی هم همین‌طور است. بی‌نیایت کلمه انگلیسی در این حوزه استفاده می‌شود که معادل فارسی راحت‌تری هم اتفاقاً دارد. مثلاً بارها شنیده‌ام که مهندس‌ها به جاده می‌گویند «ژد» اما کسی هم ایرادی نمی‌گیرد. حالا چرا این همه کافه‌ها به چشمان آمده چون یک محیط اجتماعی است و آدم‌ها دائم در حال رفت‌وآمد به آن هستند.»

اما استفاده از کلمات انگلیسی با این حجم بالا در سالن کافه‌ها چه دلیلی دارد، پسر کافه‌دار برای این موضوع هم جواب دارد: «کافه و کار کردن در سالن در ایران خیلی کار جذابی نیست و آدم‌ها تا بتوانند چنین کاری انجام نمی‌دهند چون در